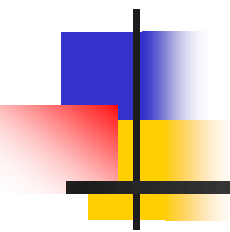
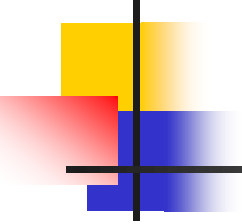


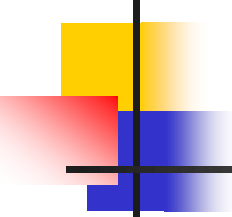
خط مشی گذاری در بخش عمومی



تعريف و مفهوم خط مشي عمومي



علم خط مشی گذاری پس از جنگ جهانی دوم به منظور
شناختی نوین از روابط دولتها و شهروندان شکل گرفت



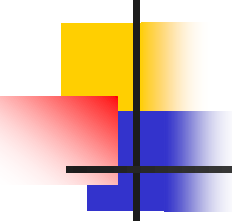
پس از جنگ جهانی دوم رویکردهای مختلفی به پدیده های سیاسی مطرح شد:

1. سطوح خرد رفتارهای انسانی و روانشناسی شهروندان و رهبران
2. ویژگیهای جوامع و فرهنگهای ملی
3. ماهیت نظامهای سیاسی ملی و جهانی



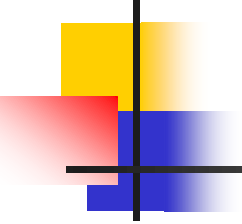
تعريف خط مشي عمومي

- خط مشي هاي عمومي اصولي هستند که بوسيله مراجع ذي صلاح در کشور وضع شده اند و به عنوان یک الگو و راهنما ، اقدامات و فعاليت هاي لازم در جامعه را راهبري مي کنند .



تعریف خط مشی از نظر **توماس دای**؛

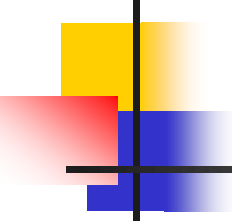
هر آنچه که حکومتی انتخاب می کند تا **انجام دهد** یا **انجام ندهد** خط
مشی است.



... تعاریف

ویلیام جنکینز:

مجموعه تصمیم‌های متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آنها در شرایط مشخص ، به شرط آنکه این تصمیمها قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشند.



... تعاریف

جیمز آندرسون:

خط مشی ، مجموعه اقدامهای هدف-مدار است که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسئله مورد توجه در نظر گرفته می شود.



نقش هاي اصلي خط مشي عمومي

- ✓ راهنماي عمل بودن
- ✓ هماهنگ کنندگی
- ✓ نماینده و بیان گر منافع و مصلحت عامه مردم
- ✓ ارزیابی و کنترل
- ✓ روشن ساختن روح قوانین و مقررات



ویژگی های خط مشی عمومی

1- پایداری خط مشی عمومی

2- آینده نگری، واقع بینی

3- هدفداری

4- عمومیت

5- گستردگی

6- نمایانگری



ویژگی های خط مشی

■ پایداری خط مشی

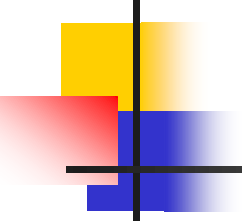
خط مشی عمومی باید بتواند با محیط متغیر و متحول تطبیق یافته و به نیازهای گوناگونی در طول زمان پاسخ دهد. و در ضمن باید انعطاف پذیر باشد و پویایی لازم را داشته باشد.



ویژگی های خط مشی

■ آینده نگري واقع بینانه

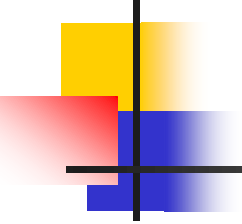
واقعیت های زمان و مکان را در نظر داشته و از اغراق درامکانات یا نادیده انگاشتنی امکانات موجود خودداری ورزد. باید واقعیت های زمان و مکان را در نظر بگیرد و از اغراق درامکانات یا نادیده انگاشتن امکانات موجود خودداری ورزد.



ویژگی های خط مشی

■ عام بودن

برای کل جامعه وضع شود. یعنی اینکه منافع تمامی اقشار جامعه در آن رصد شده باشد نه اینکه برآورنده خواسته های افراد و یا گروه های ذی نفوذ باشد.



ویژگی های خط مشی

■ فراگیری

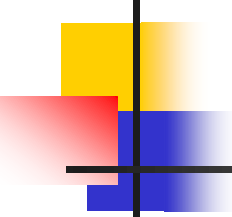
اهداف متعدد را تحت پوشش قراردهد. خط مشی های عمومی جزئی و خاص نبوده و حیطه های وسیع را در می گیرد.



ویژگی های خط مشی

■ مظهر بودن

فرهنگ ، ارزش ، ایدئولوژی و جهان بینی ، نگرشی های اقتصادی ، سیاسی و...
در خط مشی نمود داشته باشد.



انواع خط مشي هاي عمومي

✓ نوع اول :

➡ خط مشي تقنيني؛ به وسيله قوه مقننه ومجلس وضع مي گردند.

➡ خط مشي قضائي؛ به وسيله قوه قضائيه وضع مي گردند.

➡ خط مشي اجرائي؛ به وسيله قوه مجريه وضع مي شوند.

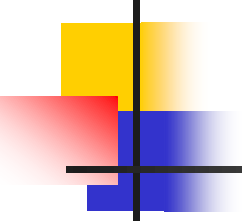
انواع خط مشي هاي عمومي

✓ نوع دوم :

➡ سياست تشريعي ؛ امروني ها و حقوق و تكاليف كه از مكتب و معنويات سرچشمه مي گيرد.

➡ سياست تحليلي ؛ دانش كه اصول مقرر سياسي را مورد تجزيه و تحليل قرار مي دهد.

➡ سياست تديري و اجرايي ؛ كه عبارت است از ، هدفهاي كه اداره كنندگان جامعه برمبناي سياست تشريعي : آن را برنامه ريزي و سازماندهي مي كند.

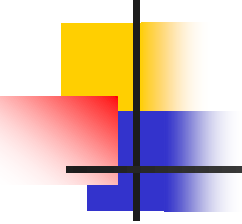


انواع خط مشي هاي عمومي

✓ نوع سوم :

👉 خط مشي هاي سياسي و تقنيني

👉 خط مشي هاي اداري و اجرايي



انواع خط مشي هاي عمومي

✓ نوع چهارم :

☞ خط مشي هاي عمومي عادي

☞ خط مشي هاي عمومي تاکتيکي

☞ خط مشي هاي عمومي اساسي ؛ چشم انداز زماني طولاني و سايل اساسي و جامعه راشامل مي شود.



انواع خط مشي هاي عمومي

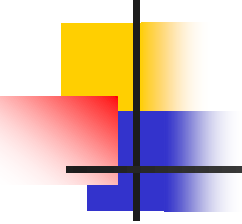
✓ نوع پنجم :

👉 خط مشي هاي عمومي قانوني - سياسي ؛ نحوه انتخاب نمايندگان را تعيين می کند.

👉 خط مشي هاي عمومي انضباطي و بازدارنده ؛

👉 خط مشي هاي عمومي توزيعي ؛ مثلاً پرداخت سوبسيد به کشاورزان.

👉 خط مشي هاي عمومي توزيع مجدد ؛ مثلاً ماليات تصاعدي بر درآمد.



انواع خط مشي هاي عمومي

✓ نوع ششم :

✎ خط مشي هاي فراگير (يا خط مشی های کانونی)

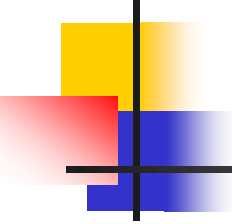
✎ خط مشي هاي هادي يا راهنما

✎ خط مشي هاي عمومي



خط مشي هاي فراگیر

خط مشي هاي فراگیر حاوي پيش فرضها، معيارها، الگوها و رهنمودهايي است که خط مشي هاي عمومي بايد از آنها تبعيت کنند.



ویژگی های خط مشی های فراگیر

- ➡ دارا بودن هدفهای کلی و فراگیر
- ➡ تعیین حد مرز خط مشی های عمومی
- ➡ تعیین اولویت زمانی
- ➡ تعیین میزان ریسک پذیری
- ➡ تعیین حدود جزئی یا کلی بودن تغییرات در خط مشی
- ➡ تعیین میزان جامع یا محدود بودن خط مشی



ویژگی های خط مشی های فراگیر

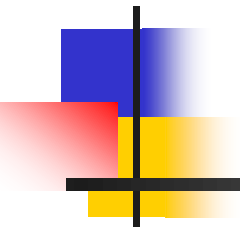
- ➡ گرایش به تعادل یا جهش در خط مشی
- ➡ طراحی پیش فرض های مربوط به آینده
- ➡ ایجاد بنیاد های نظری برای خط مشی ها
- ➡ تعیین میزان دستیابی به منابع و امکانات
- ➡ تعیین انواع شیوه ها و ابزارهای مورد نیاز خط مشی ها

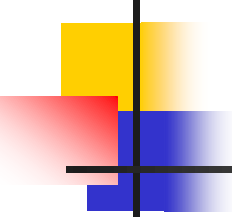


خط مشي هاي هادي يا راهنما

خط مشي هاي هادي, اصول وپايه خط مشي گذاري هستند. خط مشي هاي هادي به تصميم گيرندگان اطلاعات كافي ارائه مي دهد وبا توجه به فضاي فرهنگي و اجتماعي آنان را با فرهنگ خط مشي گذاري و نحوه مطلوب تعيين خط مشي , آشنا مي كند

فرایند عقلایی خط مشی گذاری عمومی





هدف خط‌مشی‌گذاری

■ تصمیم‌گیری در تعیین خطوط اصلی و اساسی فعالیتها و عملیات آینده دولت و بخش عمومی

■ خط‌مشی‌گذاران با بهره‌گیری از فرآیند عقلانی خط‌مشی‌گذاری، با ترازوی عقل و منطق گزینه‌های مختلف رامی‌سنجد و بهترین را انتخاب می‌کند.
(فرایند عقلایی)

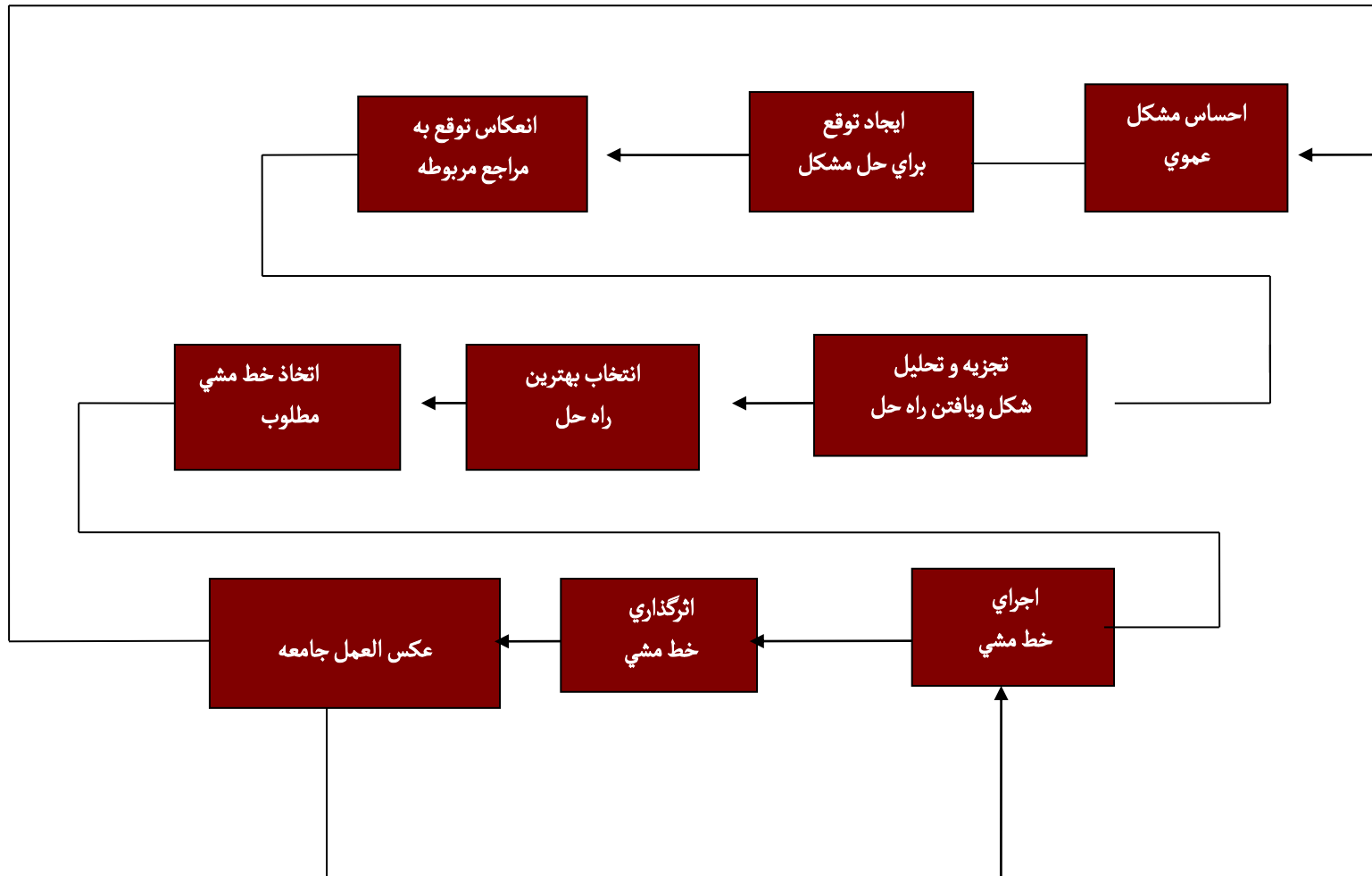


مراحل فرایند عقلایی خط‌مشی‌گذاری

- 1- تشخیص مشکل عمومی
- 2- تنظیم راه‌حلهای ممکن
- 3- پیش‌بینی نتایج راه‌حلهای
- 4- انتخاب خط‌مشی مطلوب
- 5- قانونی ساختن خط‌مشی
- 6- اجرا و ارزیابی

شکل 1-2) مراحل مختلف خط مشی گذاری

شکل 1-2) مراحل مختلف خط مشی گذاری



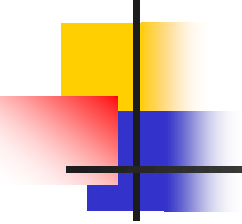
فرایند عقلایی تعدیل شده خط‌مشی‌گذاری

روشهای مورد استفاده در این فرایند عبارتند از:

1- خط‌مشی‌گذاری به شیوه تغییرات جزئی و تدریجی

2- مدل رضایت‌بخش

3- مدل اکتشافی-ابداعی



فرایند عقلایی خط‌مشی‌گذاری در قالب سیستم

الف) داده‌ها

ب) فرایند

ج) ستاده‌ها

د) بازخور



تعريف و انواع مدل

مدل در علم عبارت است از برقراري يك تمثيل سنجيده بين يك پديده كه قوانينش معلوم است و پديده ديگري كه در دست تحقيق است و انواع آن عبارتند از:

- مدل کلامی؛ به صورت نوشتار، عبارات و جملات
- مدل ترسیمی؛ روابط بین متغیرها را در قالب نمودار و اشکال نشان میدهد.
- مدل تجسمی (3 بعدی)؛ مانند ماکت يك ساختمان.
- مدل ریاضی؛ روابط ریاضی بین متغیرها را نشان می دهد.



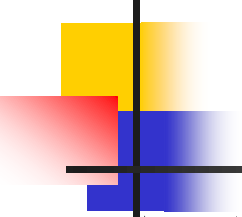
مدل یا مدل سازی در فرآیند خط مشی گذاری

- یکی از تدابیری که در فرایند عقلایی خط مشی گذاری به منظور شناخت بهتر و ساده تر عوامل و متغیرهای موجود در مورد مسئله به کار گرفته می شود ، استفاده از **مدل یا مدل سازی** است.



تعاریفی از مدل

- مدل یا الگو تصویری است که از واقعیتها و روابط موجود گرفته شده و نشانگر متغیرهای موجود، نحوه ارتباط آنها و نتایج حاصل از کنش و واکنش آنهاست.
- مدل در علم عبارتست از برقراری یک تمثیل سنجیده بین یک پدیده که قوانینش معلوم است و پدیده دیگری که در دست تحقیق است.

- 
- مدل برای شناخت مسائل واجزای متشکله آنها و همچنین پیش بینی راه حل ها می تواند وسیله موثر و مفیدی در دست خط مشی گذار باشد.
 - به کمک مدل می توان متغیرهای موجود و روابط بین آنها را بخوبی شناخت ، همراه حل را به سهولت ارزیابی کرد و از میان راه حلها بهترین را برگزید.
 - به وسیله مدل آثار تغییرات مختلف به سرعت ، با دقت و با هزینه کم مورد سنجش واقع می شود و سیاست گذار بدون مخاطره ، از نتایج آنها مطلع می گردد.

- برای مدل سازی ابتدا باید متغیرهای موجود در مسئله موردنظر را شناسایی کرد ، سپس باید اثرگذاری این متغیرها برهم و رابطه آنها بایکدیگر را بدست آوردوبه دنبال الگویی رفت که بتواند این متغیرها و رابطه بین آنها را به درستی نشان دهد.

- متغیرهای موجود رامی توان به دودسته متغیرهای قابل کنترل و غیرقابل کنترل تقسیم نمود.
- متغیرهای قابل کنترل متغیرهایی هستند که افراد خط مشی گذار و تصمیم گیرنده آنها را به دلخواه خود می توانند تغییر داده و کنترل کنند اما متغیرهای غیرقابل کنترل رانمی توانند به دلخواه تغییر دهند.

- اندیشه مارادرمورد خط مشی وسایر مسائل اجتماعی به طور ساده روشن می کند.
- جنبه های مهم مشکلات خط مشی را شناسایی می کند.
- با تأکید بر ویژگی های اصلی مسائل ومشکلات مارا قادر به ایجاد ارتباط بایکدیگر می سازد.

- مشکل اصلی در مدل سازی این است که مدل همواره گویای واقعیات نیست و سیستم اصلی را به درستی نشان نمی دهد. در چنین حالتی نتیجه گیری و اتکا به مدل ، گمراه کننده است و خط مشی گذار را به هدف نمی رساند.

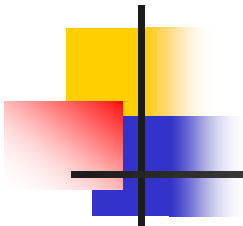
- به هنگام طراحی مدل باید به این پرسش پاسخ داد که آیا مدل تمامی اجزای سیستم واقعی را داراست و آیا اجزای مذکور نشان دهنده واقعیات موجود می باشند یا خیر.
- شناخت مدل ساز از سیستم و نظرجویی از افراد مطلع و آگاه می تواند او را در ساخت مدل صحیح و نزدیک به واقع یاری دهد.
- همچنین طراح مدل می تواند نتایج حاصل از آن را با عملکردهای واقعی تطبیق دهد و در مرحله آزمایش مدل از صحت و درستی و قدرت پیش بینی میزان خطای آن مطمئن گردد.

■ مدل مناسب به

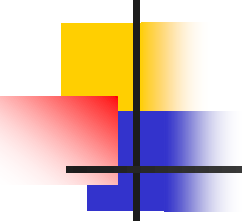
نوع مشکل ، هدف خط مشی گذار و موقعیت و شرایط موجود

بستگی دارد.

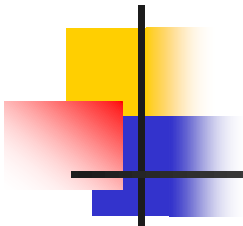
- گاهی عوامل متعددی در موضوع خط مشی موثر است و توجه به تمامی آنها در اتخاذ خط مشی مورد نظر می باشد. در چنین حالتی مدل باید حتی المقدور در برگیرنده عوامل مذکور باشد.



- اما در مواردی نیاز به در نظر گرفتن تمامی عوامل موثر در خط مشی گذاری و تصمیم گیری نیست که در این صورت می توان از مدل ساده ای که رابطه بین عوامل محدودی را به طور خلاصه نشان می دهد استفاده کرد.
- در به کار گیری مدل ها باید مدلی را انتخاب نمود که خط مشی گذار را سریعتر، ساده تر، با هزینه کمتر و دقت بیشتر به هدف برساند.



■ در فرایند خط مشی گذاری مدل های گوناگونی مورد استفاده قرار می گیرند که هرکدام به نحوی می کوشند که بهترین و منطقی ترین راه حل را ارائه دهند.



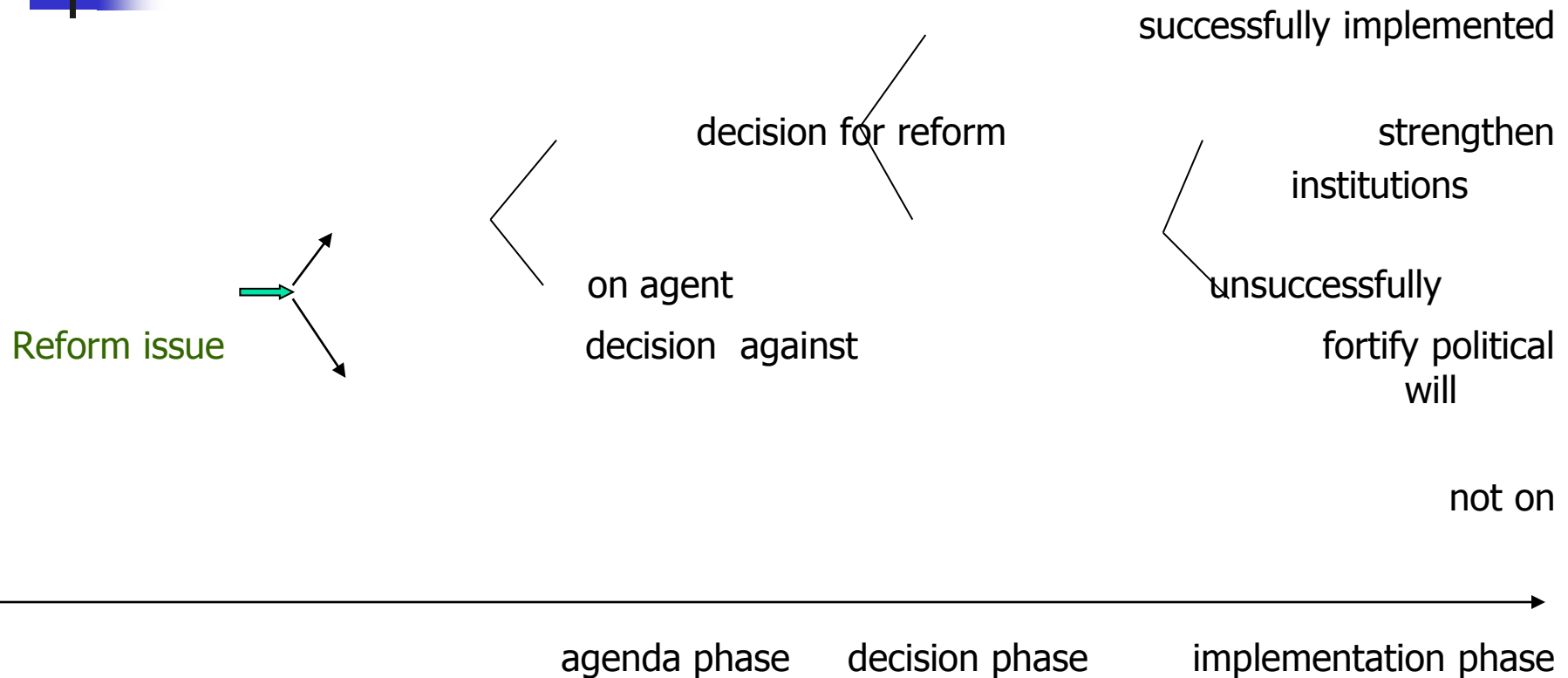
liner model

مدل خطی

- ❖ این مدل خط مشی گذاری را به عنوان فرآیند حل مشکل مطرح می کند.
- ❖ این فرآیند عقلایی هدفمند و تحلیلی است.
- ❖ در این مدل تصمیمات در یک سری مراحل متوالی اتخاذ می شود.
- ❖ شروع آن تشخیص مسأله یا مشکل است و خاتمه آن با یک مجموعه ای از فعالیتهای برای حل یا رویارویی با آن می باشد.

- ✓ تشخیص و تعریف ماهیت مسائل برای روبه رو شدن با آن
- ✓ تعریف یا شناسایی مسیر های ممکن برای مواجه شدن با مسأله
- ✓ بررسی و سنجش دقیق مزایا و معایب هر کدام از این
- ✓ بدیل ها
- ✓ انتخاب گزینه ای که بهترین راه حل را ارائه می کند.
- ✓ اجرای خط مشی
- ✓ ارزیابی خط مشی

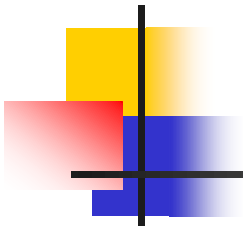
Linear model



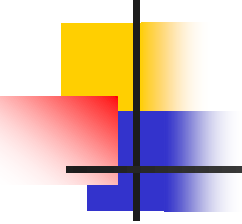
این مدل مبتنی بر دو تئوری عملی، عقلایی و ارتباطی است.

این مدل مبتنی بر تئوری چرخه ای خط مشی است که نتیجه بحث با ذی
نفع های گوناگون در دوبخش خصوصی و عمومی در سطوح مرکزی و محلی
است.

- این مدل از طریق مواجهه دائمی بین منافع مالکان و مصرف کنندگان به وسیله نمایندگان درگیرشده در تدوین خط مشی اظهار می شود.
- چنین رویکرد مذاکره مورد استفاده تحلیل گران مسائل وموقعیت های کنونی است که برای تعریف وساختار بندی اهداف گوناگون خط مشی وبرای تعریف استراتژی هاوسنجش های گوناگون برای دستیابی به اهداف اجرا شده است.

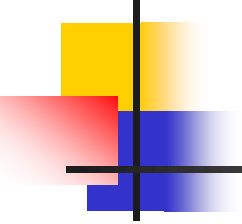


- بنابراین مذاکره ها در موقعیت های گوناگون و از طریق مشارکتها نهایتاً منجر به راه حل های رایج مذاکره شده برای خط مشی آینده می شود.
- چنین روشی به طور ویژه به وسیله تصمیم گیرندگان عمومی انجام می شود.
- مشکلات زیادی در این روش وجود دارد مانند تقاضاهای متعدد ذی نفعان که نیازمند به رفع کردن هستند.



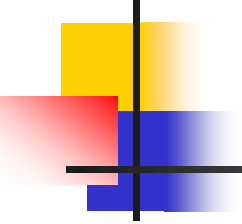
■ مدل عقلایی **rationalist**: مبتنی بر یک زنجیره قیاسی از تصمیماتی است که به وسیله متصدی موسسه دولتی گرفته می شود و انتخاب های عمومی برای جامعه اتخاذ می شوند.

■ در این چارچوب مفهومی منافع عمومی به وسیله نمونه های عقلایی در یک روش فرااجتماعی، بدون توجه به نیازهای یا منافع که به وسیله مصرف کنندگان اظهار شده است، تعریف می شود.



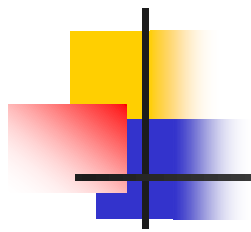
■ مدل تدریجی incremental: فرض می شود که تصمیمات مجموعه ای از اعمال است که به وسیله شبکه ای از روابط بین ذی نفع ها و نماینده ساختارهای موسسه دولتی آورده می شود.

■ در این چارچوب منافع عمومی نتیجه ای از همه نیازها و منافع تعریف شده است که به وسیله ذی نفع ها اظهار شده است.

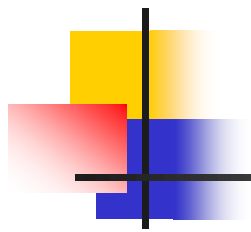


■ الگوی مشارکتی ممکن است به طور تئوریکی به هر دو چارچوب ارائه شده در بالا اشاره کند.

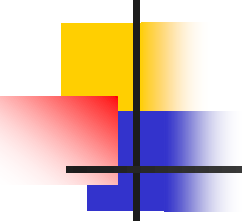
■ اما در بسیاری از موارد تصمیم گیری یک روش عقلایی فرض می شود که تصمیم گیرنده برای پیدا کردن تطابق بین توانایی و اهداف انجام شدن آن فعالیت می کند.



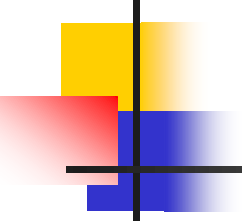
- این روش قیاسی تجزیه و تحلیل حکومت عمومی به وسیله اتخاذ تصمیمات تکنیکی به وسیله موسسه دولتی در چارچوب توانایی خط مشی کنترل و فرمان تنظیم کننده وفق داده شده است.
- این چارچوب نظری می تواند در رهنمودهای واقعی برای تصمیم گیرندگان تکنیکی نتیجه بخش باشد.
- اما این نقطه نظر عقلایی محدودیت هایی دارد مثل: شکست رویه های تصمیم گیری ، مرتبط با قانونی شدن به وسیله عقیده عمومی و دموکراسی.



یک جایگزین برای مدل عقلایی ،
مدل تدریجی ارتباطی است که می تواند یک چارچوب مفهومی
باشد.

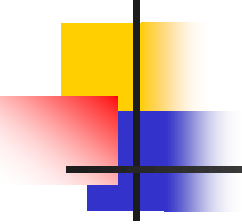


■ در حال حاضر **منافع عمومی** به عنوان نتیجه نیازها و منافعی است که به وسیله ذی نفع ها بیان شده است.



In the theory of communicative action the rationale for action does not come from the expected result of the action it derives from the communication itself (Habermas 1987)

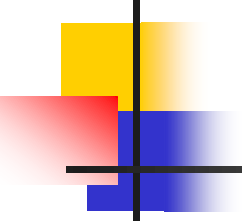
در تئوری ارتباطی، عقلانیت در عمل از نتیجه مورد انتظار به عمل نمی آید. آن از ارتباط خودش سرچشمه می گیرد.



■ این یک مدل جدید سازمانی (neo-corporatist) است که در تصمیم عمومی مطرح است ومقررات منافع اجتماعی از میان توافق بعضی بخش های جمعیت تحت مسئولیت ساختارهای اداری است.

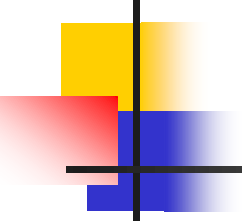
■ نمونه ای که به اجرا منتج می شود خود ظهور نیست، بلکه به وسیله مؤسسه ای به وجودآمده است که نقش ایجاد سازش بین منافع گوناگون رابرعهدده دارد.

(parsons 1977&sager 1994)



In the **communicative neo-corporatist** ■
model public authority has a more
passive role than in the rationalist
technocratic one.

■ در مدل جدید سازمانی ارتباطی، موسسه دولتی نقش منفعلی نسبت
به یک تکنوکراتیک عقلایی دارد.

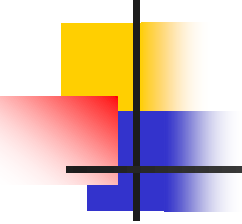


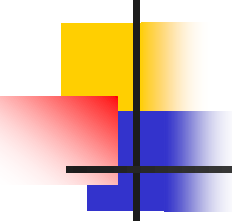
■ در حقیقت مشارکت کنندگان گوناگون بینش یکسانی از جهان ندارند. آنها ارزشهای متفاوتی دارند. نقش موسسه دولتی به تنهایی با این بینش ها قابل انتقال نیست بلکه به طور قاطعانه برای عمل در زمینه عمومی هماهنگ شده اند. (fridman 1992 & healay 1997)

■ این راه حل به سادگی یک اجماع نمی تواند باشد، آن تمایل به سازش دارد. چنین تئوری می تواند برای قوانین عمومی ایجاد شده خیلی مفید باشد.

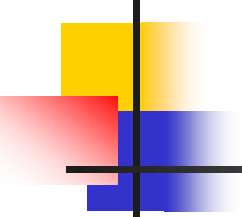
■ در مدل عقلایی اصول از یک ماتریس عقلایی می آید در صورتی که اخیراً آنها مستقیماً از تجارب ناشی می شود.

■ مدل تدریجی ارتباطی منجر به خط مشی پائین به بالا و متکی به نفس می شود.

- 
- برای تصمیم گیری درمورد نگرش عینی نرمال ، مؤسسه دولتی ممکن است برای ارضا کردن تقاضاهایی که به وسیله ذی نفع ها اظهار شده است از طریق **توافق** عمل کند.
 - بنابراین نیاز به یک فرایندی از بحث و مذاکره از طریق هیأت‌های گوناگون علاقه مند به خط مشی است که می تواند به یک یاچندین تصمیم ویک توافق بین ارزشهای گوناگون بیان شده منتج گردد. (Shandset & yankelovich)

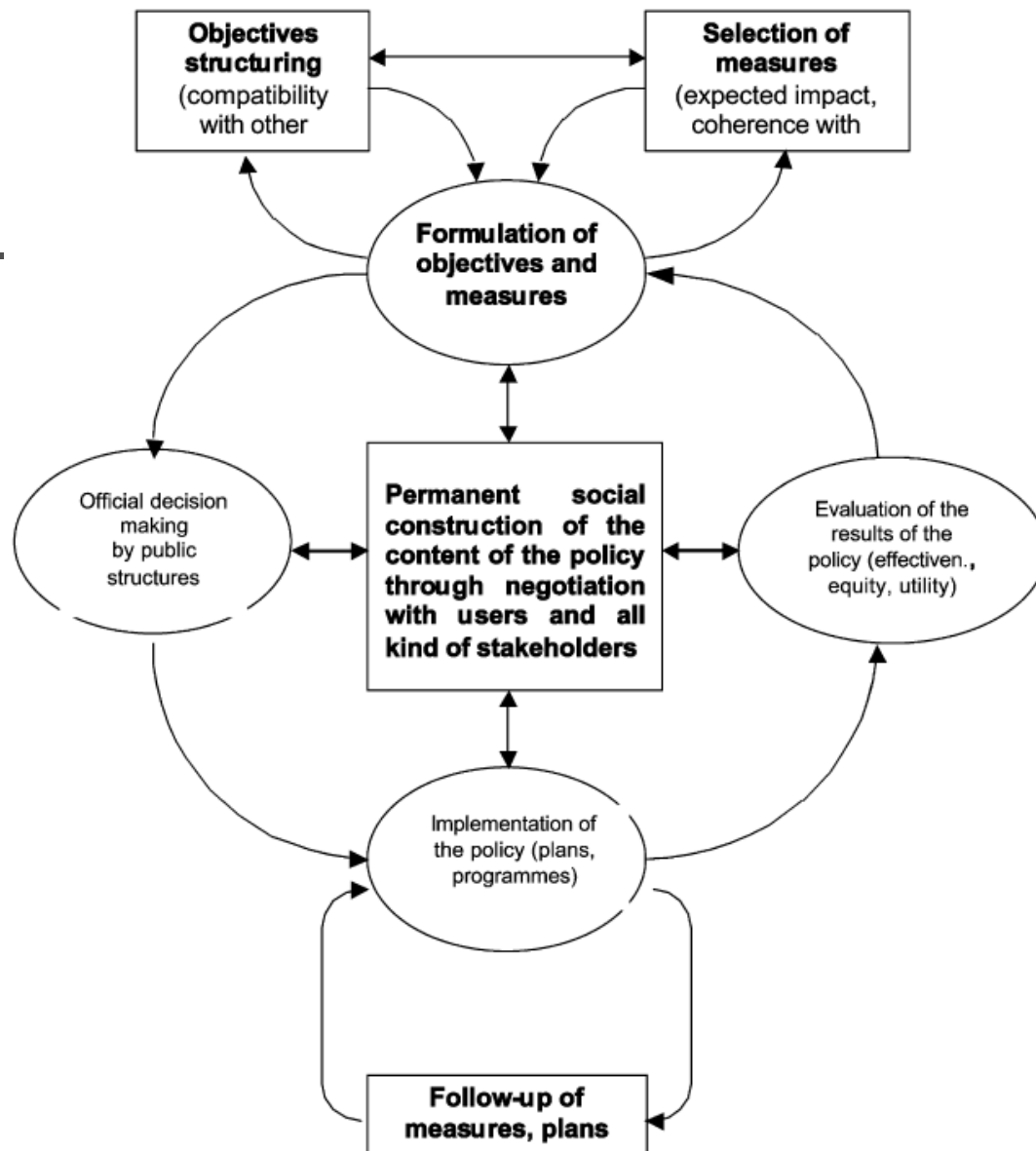


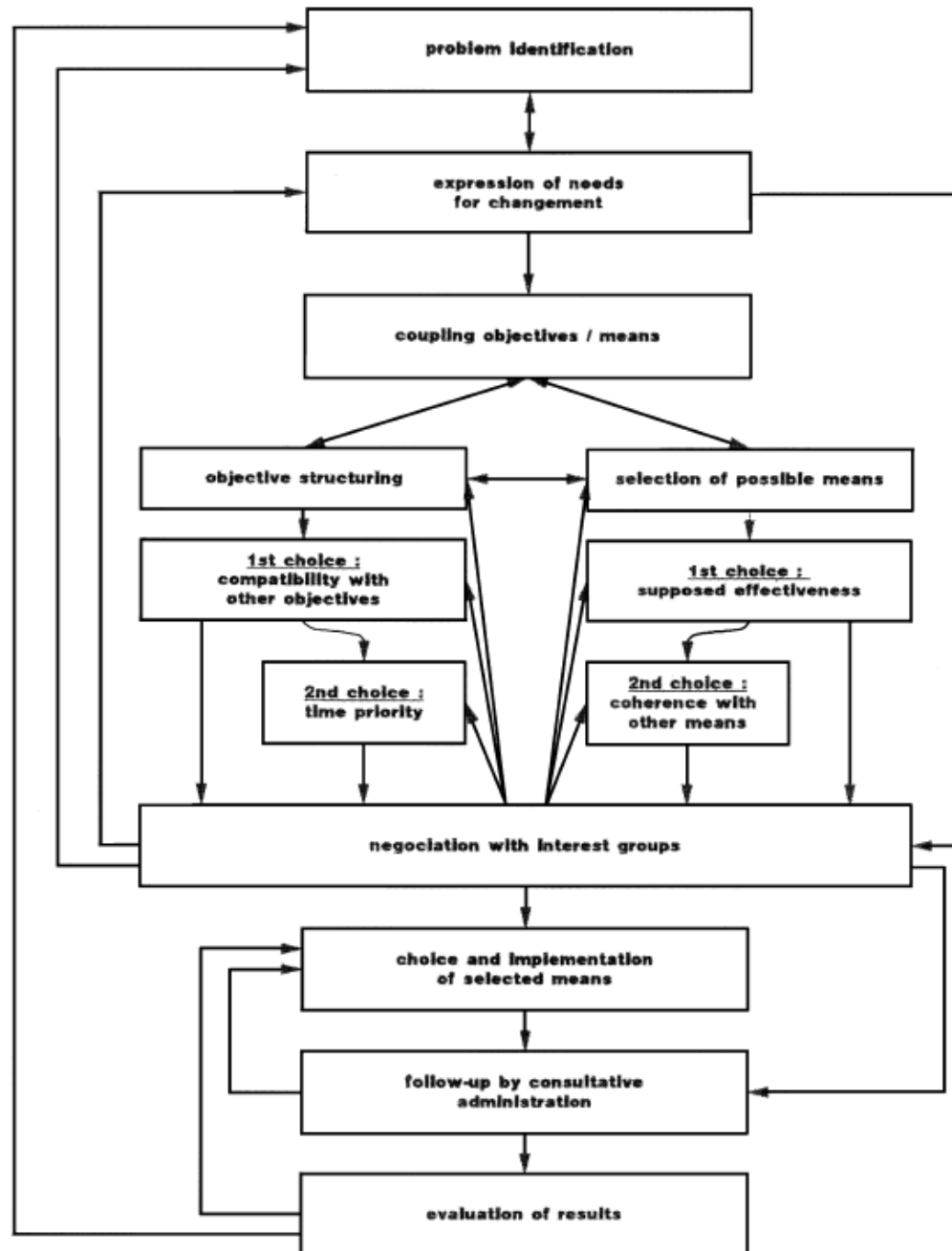
■ اگر چه ایجاد خط مشی براساس اثر فشارهای متفاوت ذی نفع های گوناگون است. تدوین خط مشی یک وظیفه تخصصی شده برای متصدی مجمع های اداری پیشنهاد کننده بودجه عمومی خط مشی گذاران برای اجرادرآینده است. (sample 1993 & selin & chavez1995)

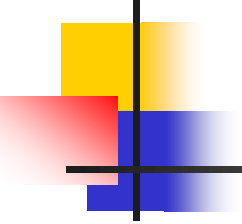


■ برای این هدف یک چارچوب مفهومی جدید با یک ارتباط بین هردو رویکرد فنی باید ایجاد شود چنین روش واقعی برای بررسی رویه های تصمیم گیری توسط Etzioni در دهه 1960 از طریق مدل ترکیبی معروفش برای تصمیم گیری بیان شده که مبتنی بر فرایندهای جدید و هدف گذاری شده در یک استراتژی منعطف تر برای تصمیم گیری است. Etzioni (1997)

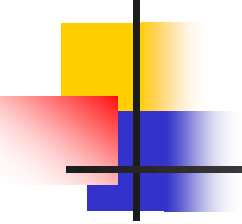
■ در طول 10 سال گذشته با این چارچوب مفهومی راه حل های دقیق تری پیشنهاد شده است به ویژه در آمریکا و نروژ.





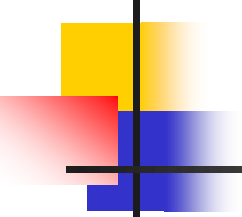


■ فرایند ، پیوسته است. انتهای هر رویه نمایندگان گوناگون ذی نفع به عقب بر نمی گردند تا چرخه هایشان را بررسی کنند. با توجه به خط مشی تدریجی ، رویه یکسان به طور طبیعی باید هدایت شود نه تنها برای تدوین بلکه برای اجرا ، رویکرد پایین به بالا و ارزیابی. (شکل 2)

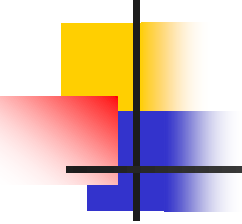


■ فرایند ممکن است هرگز تمام نشود، نتیجه راه حل ثابت نیست بلکه دائماً تغییر می کند. فرایند مذاکره نه تنها انتظارات عمومی جامعه را مشخص می کند، بلکه آن را ایجاد می کند.

■ فرایند نه تنها مذاکره اجتماعی قبلی را در دوره های خط مشی انتقال می دهد بلکه خودش مناظره اجتماعی و سیاسی را ایجاد می کند. ارزشها، تقاضاهای جدید برای تغییر، اطلاعات دو جانبه از مشارکت ایجاد می شوند.

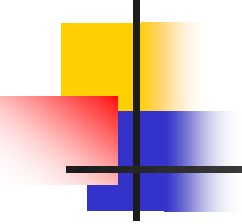
- 
- وقتی مدل ترکیبی قابل کاربرد است که ساختار **مشارکت** داخل رویه ها و رسوم، یک رویکرد پایین به بالا داشته باشد که:
 - **اولاً** رویه در سطح منطقه ای قابل اداره شدن است.
 - **ثانیاً** فنون یکسان اجتماعی ایجاد می کند که در سطح ملی امکان پذیر است.

- این مدل حالتی از مدل عقلایی است ما هرگز نمی توانیم مطمئن شویم که همه اجزای مناسب ، بیان شده اند.
- مشارکت کنندگان ممکن است متعدد و متضاد باشند.
- ممکن است تعداد زیادی مسائل متناقض وجود داشته باشد. حتی از نظر تئوریک غیر ممکن است که بتوان یک راه حل پیدا کرد که همه نیازها را یکی کند . به دلیل موقعیت های دوری که ممکن است از دلایل سیاسی و فنی خارج شده باشد.



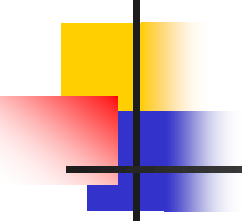
■ اجزای مهم مشکل برای مورد بحث قرارگرفتن ممکن است که پنهان باشند.

■ مباحثه کنندگان به احتمال زیاد افراد خود انتخابی هستند فرض می شود خیلی مؤثر باشند و مباحثه کننده کسی است که به تأثیر توانائی هایش اعتماد می کند. او باید ترجیحات ویژه، تصورات غیرمعقول و مصنوعی و شرایط تشخیص تصمیم رادر خود اصلاح کند.



■ باوجود محدودیت های بیان شده ، رویکرد تدریجی به وسیله خط مشی گذاران استفاده می شودحتی در موارد تولیدی واقتصادی بیشتر از هرنوع دیگری از ارزش ها برتری دارند.

■ نتیجه این است که رویکرد مشارکتی به وسیله تصمیم گیرندگان زیادی برای قانونی شدن تصمیم بررسی شده است. افراد از تصمیمات آگاهی می یابند و ممکن است در مورد دانش ، موقعیت ها و ایده هایشان سؤال داشته باشند و برای حل مشکل پیشنهاد دهند.

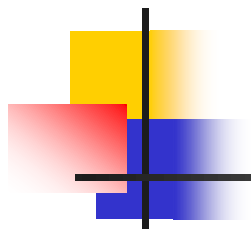


مذاکره یک هزینه معامله عادلانه است: یک پایگاه واقعی برای تصمیم گیری

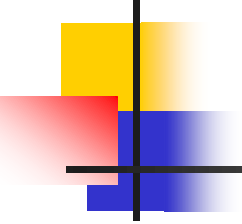
■ مخالف مدل ترکیبی، روش دائمی دیگری وجود دارد برای ارتباط بین عمل ارتباطی، تصمیم گیری عقلایی، دموکراسی و **technocracy** که عبارتست از:

بررسی روش مشارکتی به عنوان تنها هزینه معامله.

- برای قانونی کردن یک تصمیم ، بحث مبتنی بر یک نقطه نظرفنی — عقلایی است.
- مؤسسه دولتی **مشارکت** را به عنوان یک مسیر اجباری برای اتخاذ تصمیم می داند و به عنوان یک هزینه ایجاد شده برای معامله با گروه ذی نفوذ.



- جنبه های ذهنی مورد استفاده در فرایند عبارتند از:
انتخاب رئیس، مورد بحث قرارگرفتن مسائل، ارائه نتایج نهایی و...
- در چنین مواردی، **مذاکره** ناقص می شود و گاهی اوقات تبدیل به **بحث** می شود.
- برای ارزیابی کارایی می توان تشابه را با افزایش هزینه ها کاهش داد..
- البته خط مشی گذاران و شهروندان قبل از شرکت در **مذاکره** باید از مشکل آگاهی یابند.

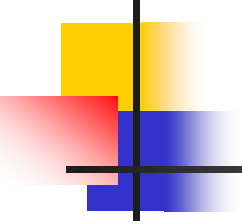


روشها و مدلهاي تصميم گيري در فرايند عقلايي خط مشي گذاري

- خط مشي گذاري در شرايط اطمینان کامل
- خط مشي گذاري در شرايط مخاطره آمیز
- خط مشي گذاري در شرايط عدم اطمینان
- درخت اخذ تصميم

■ در شرایط اطمینان کامل خطمشی گذار بر اساس اطلاعات موجود می داند که نتایج حاصل از هر شق ممکن چیست.

■ در شرایط عدم اطمینان خط مشی گذاری مشکل
بوده و از سه شیوه استفاده میشود.

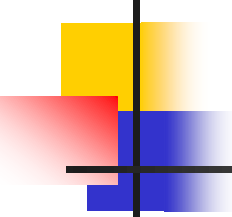


شرایط ریسک یا مخاطره

■ در شرایط ریسک یا مخاطره آمیز تصمیم گیرنده با اطمینان کامل نمیداند که نتایج حاصل از هر خط مشی چیست ولی احتمال وقوع آنها را میداند.

■ 1- شیوه انتخاب حداکثر حداکثرها:

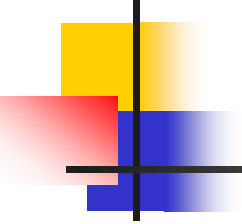
■ بهترین نتیجه از بهترین نتایج شقوق ممکن. این شیوه
خوشبینانه است.



شرایط ریسک یا مخاطره

2- شیوه انتخاب حداکثر حداقلها:

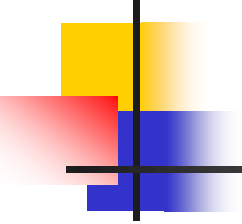
در این شیوه فرض می شود که برای راه حل‌های ممکن بدترین نتیجه در شرایط محیطی مورد نظر حاصل خواهد شد.



شرایط ریسک یا مخاطره

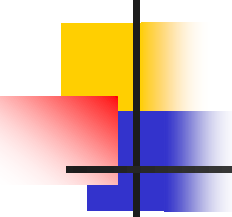
■ 3- شیوه انتخاب با فرض احتمال یکسان:

در این شیوه احتمال برای شرایط مختلف یکسان فرض شده و بر اساس ارزش مورد انتظار تعیین خط مشی می گردد.



روشها و مدلهاي تصميم گيري در فرايند عقلايي خط مشي گذاري

- مدل مطلوبیت
- ارزیابی تکنولوژی
- مدل تصمیم گیری مقطعی
- مدل مطلوب



مدل کاربردی فرآیند خط مشی

ساده کردن خط مشی گذاری عمومی با تجزیه آن به مراحل مشخص و فرعی که به "چرخه خط مشی" معروف است ، امکان پذیر است. لاسول: فرآیند خط مشی را به 7 مرحله تقسیم می کند:

بصیرت و آگاهی: گرد آوری ، پردازش و توزیع اطلاعات بین شرکت کنندگان در فرآیند.

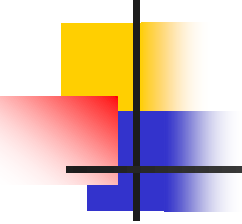
اعلام: اعلام انتخابهای مشخص توسط افراد ذیربط.
تجویز: مجموعه اقداماتی مشخص

معرفی تصمیمها: معرفی اقدامات تجویز شده.

بکارگیری (اجرا).

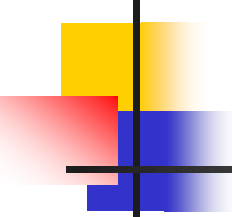
خاتمه.

ارزیابی.



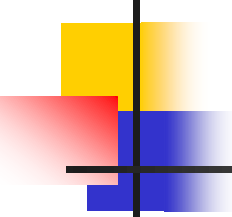
ارزیابی تحلیل لاسول:

تحلیل لاسول بر فرآیند تصمیم گیری دولت استوار است و مبتنی بر این فرض است که تصمیم گیری صرفاً به تعداد محدودی شرکت کننده با پستهای رسمی محدود می شود ؛
در مورد تأثیرات خارجی یا محیطی بر رفتار دولت سخنی به میان نمی آورد ؛
ارزیابی را پس از خاتمه مطرح می کند که باید قبل از آن مطرح شود.



مدل کري برور:

ابداع / آشناسازی: احساس وجود مشکل و ارائه راهکار
پیش بینی: محاسبه ریسکها ، هزینه ها و منافع راهکارها
انتخاب
اجرا
ارزشیابی
خاتمه.



ارزيابي مدل برور:

با طرح "حل مشکل" دامنه فرآیند خط مشي را فراتر از چارچوب محدود دولت مطرح کرد.

0 خط مشي به عنوان يك فرايند يا چرخه جاري

0 همه خط مشي ها چرخه حیات تعريف شده-از تولد تا مرگ-ندارند ، بلکه

برخي از آنها ممکن است با تغييرات جزئي مجددا مطرح شوند.

ارتباط چرخه خط مشي با حل مشکل کاربردي

مراحل چرخه خط مشي

1. دستورگذاري
2. تنظيم خط مشي
3. تصميم گيري
4. اجراي خط مشي
5. ارزيابي خط مشي

مراحل حل مشکل کاربرد

1. تشخيص مشکل
2. پيشنهاد راه حلها
3. انتخاب راه حل
4. اجراي راه حل
5. نظارت و کنترل نتايج

خط مشی گذاری فرایندی سیاسی و مبتنی بر قدرت

تعریف قدرت

یعتبه قدرت

- قدرت در رابطه اجتماعی
- قدرت ، توانائی تأثیرگذاری
- قدرت ، توانائی نفوذ

منابع قدرت

منابع قدرت

دیدگاه اول:

❖ ناشی از مقام

❖ ناشی از تخصص و آگاهی

❖ ناشی از توانائی اجبار

منابع قدرت

منابع قدرت

دیدگاه دوم:

❖ ناشی از صفات ذاتی فرد و موهبت الهی

❖ ناشی از آداب، رسوم و سنتها در جامعه

❖ ناشی از قوانین و مقررات

منابع قدرت

منابع قدرت

منابع قدرت از دیدگاه برتراند راسل

دیدگاه چهارم:

- ✓ قدرت ناشی از ارزشها
- ✓ قدرت ناشی از خصوصیات فردی
- ✓ قدرت ناشی از تخصص و آگاهی
- ✓ قدرت پاداش
- ✓ قدرت تنبیه

منابع قدرت

منابع قدرت

دیدگاه پنجم:

❖ قدرت اجبار

❖ قدرت تسلط

❖ قدرت ترغیب

نقش صاحبان قدرت و گروههای ذی نفوذ در خط‌مشی‌گذاری (نظریه‌های مختلف)

- ☐ شیوه‌ماورای‌عقلانی مبتنی بر قدرت فردی
- ☐ نظریه‌نخبگان قدرتمند یا طبقات بانفوذ
- ☐ نظریه جامعه مرکب

شیوه ماورای عقلانی مبتنی بر قدرت فردی

تصمیم گیری بر اساس شهود ، نبوغ فردی و دریافت های ذهنی تصمیم گیرنده صورت می گیرد بدون آنکه مراحل تصمیم گیری فرآیند عقلایی طی شود ، تصمیم اتخاذ می گردد.

نظریه نخبگان قدرتمند یا طبقات با نفوذ



نظریه جامعه مرکب

در این تئوری یک طبقه خاص بر دیگر طبقات حاکم نیست و نقش اصلی در خط
مشی گذاری به وسیله یک گروه یا طبقه معین ایفا نمی شود.

مدل گروهی تعبیر دیگری از نظریه جامعه مرکب

- ☐ طبقات و گروه های مختلف در تعامل با یکدیگر هستند.
- ☐ خط مشی گذاری در اثر فشار از سوی این گروهها.
- ☐ نقش گروه های ذی نفوذ بارز تر است.

گروه های ذی نفوذ

گروه هایی که هدف و مقصود مشترکی دنبال می کنند و از نفوذ و قدرت مسلطی در یک زمینه برخوردار می باشند.

انواع گروه های ذی نفوذ

- گروه های ذی نفوذ محض و نسبی
- گروه های ذی نفوذ خصوصی و عمومی
- گروه های ذی نفوذ خارجی و داخلی
- گروه های ذی نفوذ عوام و خواص

گروه واره های ذی نفوذ

گروه های که متشکل از صاحبان فن و متخصصان امر می باشند و به حساب خود اعمال نفوذ نمی کنند.

قدرت, سیاست و خط مشی عمومی

خط مشی ها بهترین راه حل ها در یک انتخاب جامع و بغایت عقلایی نیستند بلکه حاصل تعامل نفوذ قطب های قدرت در جامعه می باشند.

خط مشي گذاري ، فرايندي سازماني

مشکلات و تنگناهای خط مشی گذاری عمومی

مشکلات و تنگناهای خط مشی گذاری عمومی

- ✓ عدم تمایل به آینده نگری و گرایش به نتایج زود رس
- ✓ جزئی نگری و یک بعدی شدن در تصمیم گیری
- ✓ نارسایی های اطلاعاتی در تصمیم گیری
- ✓ گرایش ساده انگاری و به دنبال راه حل های ساده رفتن
- ✓ اعمال نظر شخصی در تصمیم گیری و اتکای بیش از حد بر تجربیات فردی



مشکلات و تنگناهای خط مشی گذاری عمومی



- ✓ عدم تمایل به اجرای آزمایشی خط مشی ها و فقدان باز خورد فرایند خط مشی گذاری عمومی
- ✓ عدم تمایل به تصمیم گیری
- ✓ انعطاف نا پذیر بودن تصمیم ها
- ✓ وضع خط مشی های صوری و ظاهری
- ✓ عدم آگاهی عامه مردم و احساس بی نقشی آنان در خط مشی گذاری

عدم تمایل به آینده نگری و گرایش به نتایج زود رس

* بعضی از واضعان خط مشی ها ، بیشتر به ارضای نیاز های روزو انتظارات و توقعات فعلی و جاری جامعه توجه نشان داده و پاسخگویی به آنها را هدف اصلی خود می پندارند و نسبت به برنامه های دراز مدت کمتر حساسیت به خرج می دهند که یکی از دلایل آن پیچیدگی و دشواری تصمیم گیری های دور نگر است.

جزئی نگری و یک بعدی شدن در تصمیم گیری

نگرش و تکفیر یک بعدی تصمیم گیرندگان و عدم توجه به مجموعه عوامل موثر در تصمیم ها و خط مشی ها، یکی از موانع عمده در راه خط مشی گذاری موثر و موفق به شمار می آید

نارسايي هاي اطلاعاتي در تصميم گيري

- عدم وجود يك پايگاه متمرکز و معتبر اطلاعاتي
- سلسله مراتب بيش از حد اغلب سازمان هاي بزرگ دولتي
- اتکاي صرف بر اطلاعات و گزارشات رسمي و غفلت از دريافت نظرات مردم
- تسري گذشته به آينده و تاکيد بر آمار و اطلاعات گذشته

گرایش ساده انگاری و به دنبال راه حل های ساده رفتن

مشکل دیگری که در برخی خط مشی گذاری ها مشاهده می شود، ساده انگاری در دریافت مشکل و پرداختن به جنبه های ظاهری قضایا و عوارض مشکل ، به جای اصل مشکل است

اعمال نظر شخصي در تصميم گيري و اتکاي بيش از حد بر تجربيات فردي

- ❖ انتخاب راه حل بر اساس تجربيات شخصي قبل از بررسي اطلاعات مربوطه
- ❖ اتکاي بيش از حد بر تجربيات شخصي و خودرأبي تصميم گيرندگان
- ❖ عدم آگاهي خط مشي گذاران و عدم تمايل آنها نسبت به نظرات سايرين

عدم تمایل به اجرای آزمایشی خط مشی ها و فقدان باز خورد فرایند خط مشی گذاری عمومی

عدم تمایل به اجرای آزمایشی خط مشی های وضع شده و اجرای قطعی و نهایی آنها در جامعه ، گاهی موجب ضرر و زیان هایی می گردد که غیر قابل جبران است . در حالی که اگر تصمیم ها مدتی به صورت آزمایشی اجرا می گردید شاید می توانستیم بموقع از زیان های مذکور جلوگیری نماییم .

همچنین ، عدم استفاده از بازخورد به عنوان یک وسیله کنترل و اصلاح خط مشی ها مشکل و مانع مهمی در راه خط مشی گذاری موثر قلمداد می شود.

عدم تمایل به تصمیم گیری

علل بسیاری در ایجاد این مساله دخالت دارد که از آن جمله می توان به عدم وجود فضای حمایتی برای تصمیم گیرندگان ، رابطه نامتعادل بین اختیارات و مسئولیتهای تصمیم گیرندگان ، نبودن ستادهای پشتیبانی تخصصی و اطلاعاتی برای کمک به تصمیم گیرندگان ، ساخت دولت و نحوه ارتباطات در آن، محافظه کاری و رعایت کلیه جوانب کار برای پرهیز از مخاطرات ، اشاره کرد .

انعطاف نا پذیر بودن تصمیم ها

✚ انعطاف ناپذیری تصمیم ها، زائیده تفکر تصمیم گیرندگان نسبت به محیط و مجریان است. آنان محیط را محیطی ثابت و بدون تغییر می پندارند و از سوی دیگر به علت وجود روح بی اعتمادی به مجریان دست به اتخاذ تصمیم های انعطاف ناپذیر می زنند.

وضع خط مشي هاي صوري و ظاهري

■ در برخي موارد خط مشي هايي وضع مي شوند که صرفاً جنبه تبليغاتي داشته و براي جلب نظر و حمايت مردم طراحي شده اند و از آغاز مشخص است که قرار نيست تصميم هاي مذکور اجرا گردد و مردم نيز پس از مدتي از اين امر مطلع شده و نسبت به خط مشي گذاران وساير خط مشي ها بي اعتماد مي گردند.

عدم آگاهی عامه مردم و احساس بی نقشی آنان در خط مشی گذاری

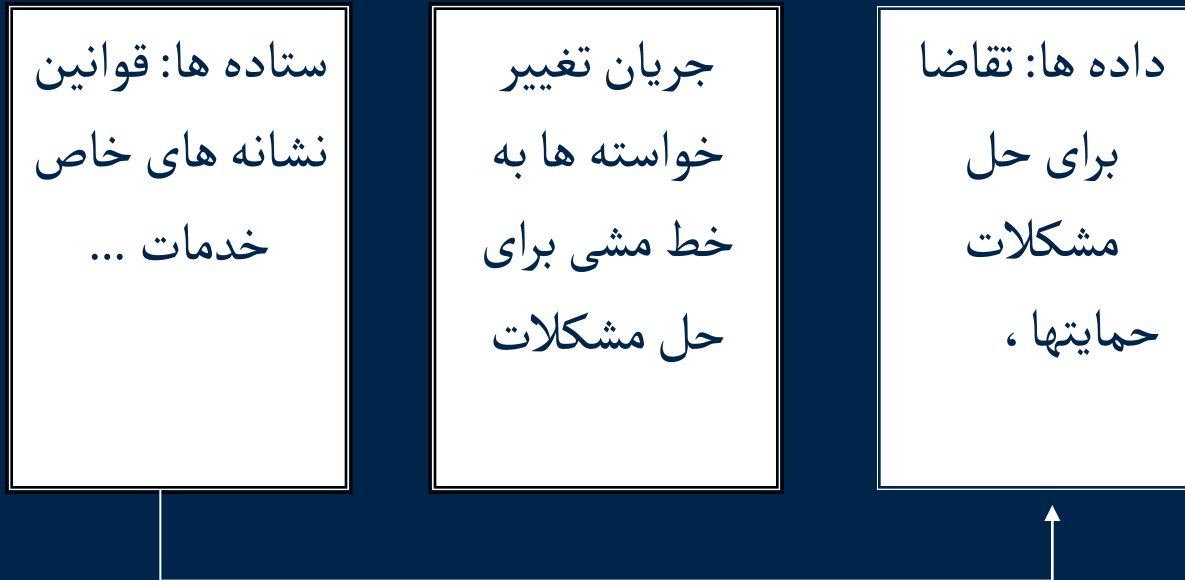
خط مشی های عمومی باید بازتاب خواسته ها ، نیازها و انتظارات عامه مردم باشد و راه حل هایی برای مشکلات آنان ارائه دهد. در صورتی که مردم به این حق خود آگاهی نداشته باشند و لزومی به مشارکت و اظهار نظر در تصمیم های عمومی نبینند، خط مشی گذاری یکی از منابع اصلی خود را از دست می دهد.

الگوي اقتضائي خط مشي گذاري

مقدمه

در عصری که محیط‌های مختلف ما را احاطه کرده اند و تغییر و تحول همه جا را فرا گرفته است باید به دنبال الگوهای بود که از طریق تلفیق ترکیب و با انعطاف پذیری کافی به نیازهای ما پاسخی مناسب بدهند.

محیط: عوامل موثر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی و



بازخورد: نتایج خط مشی در محیط

با توجه به اثر پذیر بودن سیستم خط مشی عمومی از محیط‌های مختلف سیستم موفق برای خط مشی گذاری سیستمی است که قدرت انعطاف و تطبیق با محیط را در حد لازم دارا باشد والگوی اقتضایی پاسخی مناسب به این مسئله است.

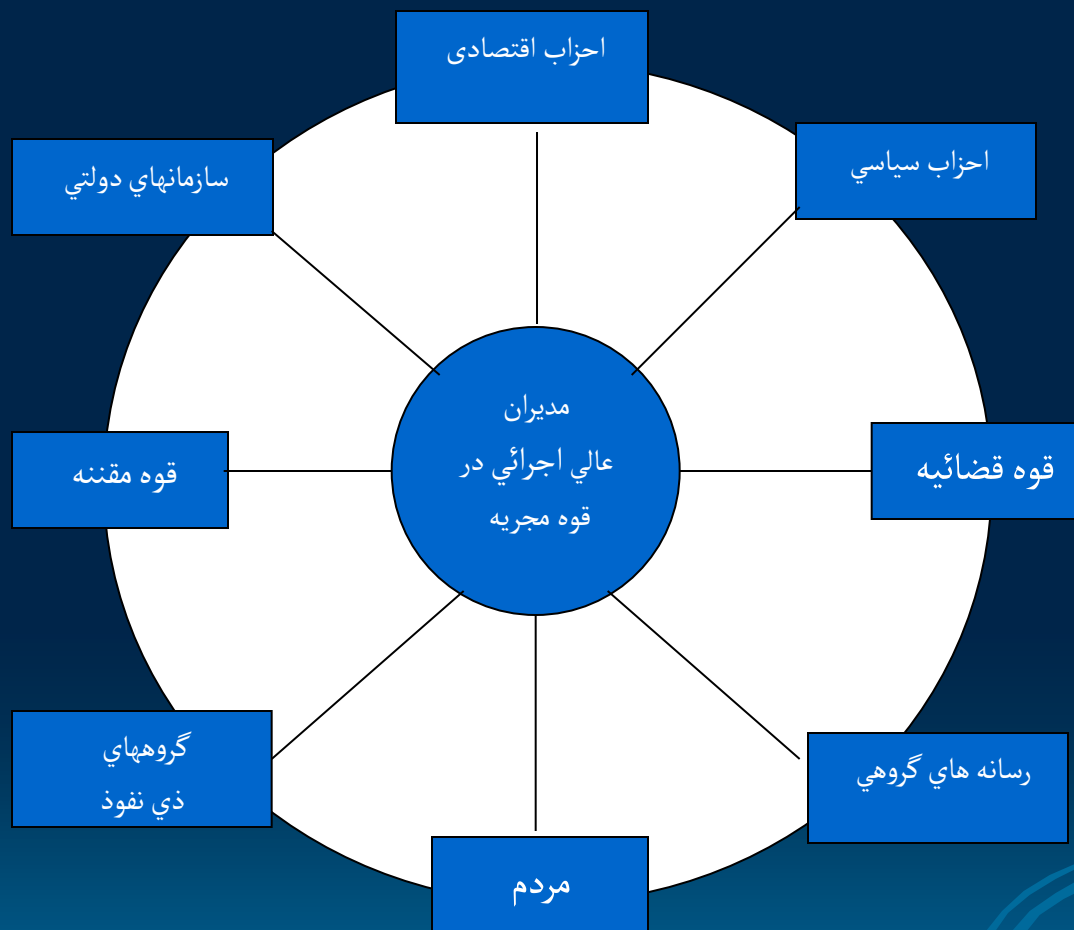
مطلوب خط مشی ـ این الگو شرایط و موقعیت را عامل تعیین کننده ای در انتخاب شیوه
گذاری میداند

➤ الگوی اقتضایی پلی بین نظریه ها و شرایط واقعی ایجاد می کند و از جدایی بین نظر و عمل می‌کاهد. هر یک از محیط ها با توجه به موضوع خط مشی در انتخاب الگو و شیوه مناسب تاثیر می‌گذارد که خط مشی گذار باید با توجه به اثرات این عوامل به انتخاب شیوه مناسب اقدام کند.

➤ رهبران جامعه ،قوای مختلف حکومتی ،عامه مردم و گروه های ذی نفوذ به نحوی در شکل گیری خط مشی های عمومی نقش دارند .در مدل اقماری خط مشی گذاری در موارد مختلف مراجع و سازمان های متفاوتی نقش محور و عوامل مؤثر یا اقمار را ایفا می کنند .

➤ الگوی اقتضایی مدلی را ارائه می دهد که واقعیات محیط را در نظر دارد ،از فراگیری خوبی برخوردار است و قابلیت انعطاف کافی را داراست .

مدل اقماری (گردونه ای)



مدل چند بعدی

- این فرآیند مجموعه ای از اثرات و عوامل مانند :
- اعتقادات و ارزش های جامعه (مراجع مذهبی و سنتی و فرهنگ حاکم) دانش و فن (متخصصان و کارشناسان امر) فشار و قدرت (صاحبان قدرت) حمایت و عدم حمایت (گروه های ذی نفوذ) قوانین و مقررات (سازمان ها و مراجع قانونی) می باشد .
- عوامل مؤثر بر فرآیند چند بعدی خط مشی گذاری از یکدیگر تفکیک شده و جدا نیستند و تحت تأثیر مواردی چون فرهنگ ، دوره ی زمانی و... می باشند .
- در این مدل بر خلاف مدل قبلی عامه ی مردم در فرآیند خط مشی گذاری عمومی نقشی ندارند .

➤ در این مدل کوشش شده تا تلفیقی بین شیوه ی عقلایی و مدل تغییرات جزئی و مدل رضایت بخش به عمل آید. این رویکرد در تلاش است بدون آنکه وارد جزئیات شود ، در ابتدا یک نظر کلی بر تمامی موارد بیندازد تا نقاط مشکل -زا را پیدا کند و هیچ مورد اصلی نادیده گرفته نشود. پدیده ها در دو سطح مورد مطالعه قرار می گیرند:

➤ 1- با پوشش وسیع 2- با دید مقطعی .

➤ در این مدل از سه جریان نام برده می شود :

➤ 1. **مسائل و مشکلات** (مشکل مطرح می گردد و با توجه به ارزش های موجود انتظارات جامعه بر مبنای مقایسه تعریف می شود .)

➤ 2. **جریان سیاسی** (شامل تعادل بین نیروهای مختلف موجود در جامعه است .)

➤ 3. **جریان خط مشی** (راه حل های متفاوتی که خط مشی باید از میان آنها انتخاب گردد ،تنظیم می شود .)

➤ مدل جریان ها-دریچه ها خط مشی گذاری را به صورت فرآیندی نشان می دهد که در آن هم سیاست ،هم تعقل و منطق و هم پیوند های سازمانی مطرح هستند و همه با یکدیگر تلفیق و ترکیب شده اند .این مدل جامع ،انعطاف پذیر ،تلفیقی و سیستماتیک است .

مدیریت مسائل عمومی

➤ از این طریق سازمان ها و کل ساختار بخش عمومی از مسائل و مشکلاتی که در جامعه می گذرد ، آگاهی می یابند . این نوع مدیریت ، برنامه ای است که یک سازمان طی آن می کوشد آگاهی و دید خود را به طور جامع نسبت به مسائل عمومی افزایش دهد و از این طریق میزان اثر بخشی خود را در فرآیند تنظیم خط مشی های عمومی افزایش دهد .

مدل جدید سازمانی خط مشی گذاری

هدف از اعمال فشار و کنترل واحدهای دولتی

جهت دادن به عملکرد جمعی	جهت دادن به عملکرد قریب	
خط مشی سیاسی مانند انتخاب نمایندگان خط مشی سیاسی مانند انتخاب نمایندگان	خط مشی توزیعی مانند پرداخت سوبسید	بعید
خط مشی توزیع مجدد مالیاتهای تصاعدی	خط مشی بازدارنده و انضباطی	قریب

جهت
دادن به
عملکرد
جمعی

رویکردهای خط مشی عمومی معیارها:

الف: **نظریه های قیاسی**: با تعداد محدودی فرضیه شروع می شوند و سپس این فرضیات را در بررسی پدیده ای خاص اعمال می کنند.

ب: **نظریه های استقرایی**: با مشاهده پدیده های خاص آغاز می شوند و به اصولی قابل تعمیم

می رسند که بتوانند با نظریه های کلی تر
تلفیق می شوند.

نظریه های فردی: پدیده های سیاسی را بر اساس منافع و اقدامات افراد تعبیر می کنند.

نظریه های گروهی: مسایل را بر اساس تعامل میان گروه های اجتماعی توضیح می دهند.

نظریه های سازمانی: با تأکید بر سازمانها، به توضیح پدیده های سیاسی می پردازند.

انتخاب عمومي

فرضيه اصلي: عاملان سياسي مانند عاملان اقتصادي بر حداکثر کردن سود و رفتار عقلايي تاکيد دارند و فقط عمل سياسي را مورد توجه قرار مي دهند و معتقدند:

مردم در همه ابعاد رفتاري حداکثر کردن منافع منطقي خود را تعقيب مي کنند.

انگيزه اصلي عوامل سياسي در انتخاب راهکار مناسب ، منافع فردي است.

رای دهندگان به احزاب و افرادی رای می دهند که منافع آنها را حداکثر کنند.
خط مشی گذاران ، خط مشی هایی را مطرح می کنند که بتوانند رای مردم را جلب کنند.

بوروکراتها برای حداکثر کردن بودجه تلاش می کنند. زیرا بودجه بیشتر ، منبع قدرت ، موقعیت اجتماعی ، مزایای جانبی و حقوق بیشتر است.
بر اساس این رویکرد: خط مشی عمومی صرفاً توسعه تدریجی ارائه کالا و خدمات از سوی دولت به مردم است.

نارساييها

- (1). ساده انگاري بيش از حد كه با واقعيات تطبيق ندارد.
- (2). به دليل ساده انگاري بيش از حد مسايل، توانايي پيش بيني اين نظريه ضعيف است.
- (3). تصوير ارائه شده از احزاب به عنوان رقباي دائمي گاهي نادرست است، زيرا ائتلاف جزئي از رفتار آنهاست.
- (4). در مورد نظامهاي غير دمكراتيک كه به انتخاب آزاد متكي نيستند، حرفي براي گفتن ندارد.
- (5). تاثير عوامل نهادي در شكل دادن به اولويتهاي عاملان را نادیده مي گيرد يا بدان كم توجه است.

نظریه های طبقاتی

ماهیت گروهی دارند و در تحلیلها به نهادهای جمعی متوسل می شوند.

عضویت در گروه یا طبقه مبنای تحلیل است.

عضویت در گروه یا طبقه معمولاً بر اساس داشتن یا نداشتن ویژگیهای مشخص و مرتبط با اقتصاد تعیین می شود.

طبقه اشاره دارد به گروههایی که به شکلهای مختلف از هم متمایزند

نظريه مارکس

جامعه ساختار طبقاتي دو گانه دارد که هر طبقه براي کسب قدرت سياسي و اقتصادي با يکديگر جدال ميکنند. هر طبقه با يك شيوه توليد مرتبط است که نهايتا بر اساس مالکيت ابزار توليد نظام طبقاتي خاصي را به وجود مي آورد:

- طبقه اي که مالک ابزار توليد است
- طبقه اي که براي مالکان کار مي کنند.

نظریه های طبقاتی ، خط مشی های عمومی جوامع سرمایه داری را بازتاب منافع طبقه سرمایه داری می دانند.

مارکس: دولت صرفاً ابزاری در دست سرمایه داران است که هدف آن حفظ نظام سرمایه داری و افزایش سود به هزینه کارکنان است.

تحلیل خط مشی از دید مارکسیستها، در شکل نمایش چگونگی تامین منافع سرمایه بوسیله خط مشی خاص مطرح می شود (نگرش ابزاری).

نگرش ابزاری دو نارسایی دارد

- 1- حتی اگر خط مشی در خدمت منافع سرمایه باشد ، به این معنا نیست که به دستور سرمایه داران وضع شده باشد. سرمایه داران و کارگزاران دولت در يك طبقه و با منافع مشترك نیستند.
- 2- توضیحی برای خط مشی های مخالف سرمایه داران ندارد. مثلاً خط مشی های ناظر بر رفاه اجتماعی و آنتی تراست با مخالفت شدید سرمایه داران روبرو گردید ، ولی امروزه از خط مشی های متداول است.

نئو مارکسیسم

تجدید نظر در جایگاه دولت: دولت تا حدی مستقل از سرمایه است و لذا اقداماتی در راستای علایق زیردستان انجام می دهد. ولی در نهایت ، دولت حافظ منافع بلند مدت سرمایه داران است: نظیر تامین حق مالکیت ، حفظ نظم و آرامش و ... (رویکرد ساختاری).

مشکلات تحلیل طبقاتی

دشواری در تعیین طبقه (بورژوازی، پرولتاریا، کارگران سودمند، کارگران غیر سودمند...) .

دشواری مرتبط با تحلیل طبقاتی مارکسیستها حول چگونگی ارتباط بین روبنای اجتماعی و مبنای اقتصادی است.

تعیین کننده بودن اقتصاد (گرچه کم رنگ شده) که با اصول استقلال نسبی دولت و تفوق ایدئولوژیک در تضاد است.

به اعتقاد این نظریه پردازان:

دولتها فقط در زمانی که نارسایی محرز باشد باید در امور دخالت کنند و کاراترین راه ، یعنی کم هزینه ترین راه حل را از طریق تحلیل هزینه-سود انتخاب کنند.



1. کارگزاران منتخب

1/1: قوه مجریه

0 نظامهای پارلمانی

0 نظامهای جمهوری

امتیازهای ویژه **قوه مجریه**:

0 کنترل اطلاعات

0 کنترل منابع مالی

0 بوروکراسی

0 کنترل دستور کارهای سیاسی و اعمال کنترل بر زمان بندی

معرفی مسایل برای تصویب

1/ 2: قوه مقننه:

0 وظیفه: پاسخگو نکه داشتن دولتها بجای تدوین خط مشی ها.

0 اعمال نظر قوه مقننه در خط مشی ها صرفاً طی فرایند تصویب و در مراحل تایید بودجه آنها به شکل محدود صورت می گیرد.

... ادامه

0 در مسایل فنی دخالت کمی دارد

0 در مسایل مربوط به امنیت ملی و خط مشی های خارجی (به دلیل

پنهان کاریها) چندان دخالتی ندارد

0 دخالت این قوه بیشتر در مسایل بحرانی و مسایل ارزشی است.

لذا:

اساساً قانون گذاران نقش کمی در فرایند خط مشی ها ایفا می کنند.

2. کارگزاران منتصب

کارگزاران منتصب عناصر کلیدی خط مشی و چهره های محوری هستند و آنچنان مقرراتی تنظیم می کنند که گاهی حتی قوانین را تحت الشعاع قرار می دهند.

منابع قدرت

1. قانون که وظایف اساسی خاصی را با آزادی عمل زیاد برای دیوانسالاران پیش بینی کرده است.
2. دسترسی زیاد به منابع مالی
3. دیوانسالاری مخزن گسترده ای از مهارتها و تخصصهاست
4. دسترسی وسیع به اطلاعات
5. دائمی بودن دیوانسالاری و طولانی بودن زمان خدمت اعضا

3. گروههای ذینفع

گروهها بر اساس توانایی مالی و گستره و افراد تحت پوشش در خط مشی گذاری تاثیر دارند. از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

0 سازمانهای تحقیقاتی

0 تشکلهای علمی

0 رسانه های جمعی

ابزارهای خط مشی

خانواده و جامعه سازمانهای داوطلب بازارهای خصوصی	اطلاعات و توصیه پارانه مالیات پرداخت هزینه از سوی مصرف کننده	مقررات شرکتهای دولتی تامین مستقیم
کم	سطح مداخله دولت	زیاد
ابزارهای داوطلبانه	ابزارهای مختلط	ابزارهای اجباری

چه کسانی خط مشی ها را تحلیل و ارزشیابی می کنند؟

0 سیاستمداران

0 دیوانسالاران

0 مردم عادی

0 گروههای ذیربط

0 مخالفان دولت

انواع ارزشیابی

ارزشیابی اداری: عملکرد مدیریت و نظامهای بودجه بندی
عموماً در دولت و به وسیله مؤسسات تخصصی ویژه یا توسط ناظران مالی ،
قانونی و سیاسی وابسته به قوای سه گانه صورت می گیرد.
...ادامه

0 ماهیت ارزشیابی اداری بررسی میزان منابع مصرف شده و میزان رضایت شهروندان است

0 در این نوع ارزشیابی کارایی یعنی:

***توجه به عملکرد مدیریتی و انجام حسابرسی سالانه**

***بررسیهای نیروی انسانی ، اعمال نظارتهای بودجه ای با توجه به هزینه ها**

انواع ارزشیابی اداری

. ارزشیابی تلاش: دروندادهای برنامه با توجه به میزان دسترسی به اهداف بررسی می شود.

دروندادها (نیروی انسانی ، فضای فیزیکی...) در قالب هزینه های پولی محاسبه و اندازه گیری می شود.

هدف: رسیدن به مبنایی است که به کمک آن بتوان ارزشیابیهای کارایی یا کیفیت ارائه خدمات را ارزیابی کرد.

. ارزشیابی عملکرد: بربروندادها تاکید دارد (تعداد مدارس ، بیمارستانها ، صادرات و واردات و...)

هدف: تشخیص اینکه خط مشی مورد نظر با توجه به اهداف بیان شده به چه نتیجه ای دست یافته است.

ارزشیابی کارایی: بر هزینه های برنامه تاکید دارد و قضاوت می شود که آیا همین میزان بازده را می توان بدون کاهش کیفیت با کارایی بیشتر (هزینه کمتر) بدست آورد؟

ارزشیابی فرایند: در این حالت روشهای سازمانی (نظیر مقررات و رویه های اجرایی) مورد بازبینی قرار می گیرد.

هدف: آیا می توان فرایند کارها را ساده تر و کارآمدتر نمود (از طریق ایزو ، برنامه ریزی راهبردی ، مدیریت مالی ، بررسی شکایتها و ...).

ارزشیابی قضایی

بر جنبه های قانونی حاکم بر برنامه های دولتی تاکید می شود (با توجه به مقررات قانون اساسی و قوانین موضوعه) و بودجه ، اولویت ، کارایی و هزینه کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

عدم نقض حقوق طبیعی افراد یا عدالت اجتماعی و عدم نقض قانون اساسی و قوانین موضوعه موضوع ارزشیابی قضایی است.

ارزشیابی سیاسی

- 0 توسط همه افراد و گروههای ذینفع انجام می شود ؛
- 0 غیر نظام مند است و از نظر فنی لزوماً چندان پیچیده نیست ؛
- 0 یا حمایت و یا مبارزه بر علیه خط مشی دولت مورد نظر است ؛
- 0 هنگام انتخابات شهروندان به قضاوت در مورد عملکرد دولت می پردازند و نتیجه همه بررسیها بیان غیر رسمی ارزشیابی کارایی و اثربخشی دولتها ، برنامه ها و خط مشی هاست.

پایان